



تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۳/۱۰ صفحه ۱۲۳ تا ۱۴۲

بررسی مسئولیت مدنی قضات پیرامون اشتباهات در صدور حکم و نقش آن در امنیت شهر

(مطالعه موردی: اشتباهات قضات دادگستری رشت)

احمد پور ابراهیم^۱

چکیده

فضای شهری به عنوان یک مکان و مسئله ناامنی در آن و احساس ترسی که پدیده مجرمانه در آن ایجاد می‌کند، از موضوعات شناخته شده در علم جرم‌شناسی است. تقصیر، ضرر و رابطه سببیت از ارکان اصلی تحقق مسئولیت مدنی قضات هستند که تبیین مسئولیت مدنی قضات پیرامون اشتباهات در صدور حکم از دیدگاه حقوق موضوعه ایران، عوامل مؤثر در اشتباهات قضات در صدور احکام مرتبط با دعاوی مطروحه نزد دادگاه و غیره از اهداف اصلی پژوهش پیشرو می‌باشند که با استفاده از روش توصیفی تحلیلی ضمن مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی به مطالعه تحلیلی مسئولیت مدنی قضات پیرامون اشتباهات قضائی در صدور حکم به صورت موردی در دادگستری رشت پرداخته شد. نتایج حاصل از نظرسنجی نشان می‌دهد که بیش از شصت درصد از پاسخ‌دهندگان میزان اشتباه قضات رشت براساس تقصیر در صدور حکم، جهل و ناآگاهی، تطبیق حکم بر موارد خاص، مدارک و مستندات خلاف واقع دعوی، توسط دادگاه تجدیدنظر قبل از اجرای شدن حکم، پی بردن به اشتباه صدور حکم، تشخیص اشتباه از طرف قضات رشت بعد از اجرایی شدن، جبران خسارت قاضی در صورت مقصر بودن در صدور رأی اشتباه و ورود ضرر، خسارت دولت در صدور رأی و خسارت به طور کامل از متضرر طرف دعوی رشت را متوسط تا کم بیان کرده‌اند. همچنین اکثریت افراد میزان تأثیر شلوغ بودن شعبه در اشتباه کردن قاضی در صدور حکم، اشتباه در نوشتار و تایپ و اتفاق در صدور حکم، اشتباه درباره موضوع دعوی، تأثیر گذاری حالات روحی و روانی، پی به اشتباه بردن حکم قاضی توسط متضررین پرونده، دست نیافتن به تمام حقوق خود از متضرر طرف دعوی و میزان رضایت خود از امنیت در شهر را زیاد و خیلی زیاد بیان نموده و معتقدند که اشتباه در صدور برخی احکام تأثیر زیادی در امنیت شهر و موجب اختلال در شهر شده و امنیت شهر را به خطر می‌اندازد.

واژگان کلیدی: مسئولیت مدنی، قضات، اشتباهات در صدور حکم، دادگستری شهر رشت.

۱. گروه حقوق، دانشکده علوم اسلامی و هنر، دانشگاه آزاد اسلامی، رشت، ایران، رشت



مقدمه

موضوع ایجاد امنیت و کاهش جرم خیزی در محیط‌های شهری، یکی از مباحث بسیار مهم و بحث برانگیز مجامع علمی دنیا می‌باشد که لزوم توجه به ارتباط این بحث با امر قضاوت در دادگاهها و امنیت در شهر روز بروز بیشتر احساس می‌شود. اگر بتوانیم ارزش‌ها را در یک جامعه زنده نگه داریم و اجازه ندهیم غبار فراموشی بر آن‌ها بنشیند، به امنیت دست خواهیم یافت. بنابراین مهم ترین اصل در این زمینه این است که شهروندان و مسئولان همواره معتقد و پایبند به ارزش‌های کلی مانند حقوق دیگران، عدالت، آزادی، تسامح و دیگر فضایل انسانی بمانند. با توجه به منصب خطیر و مهم قضا که در راستای احقاق حقوق تضییع شده جامعه و اشخاص بزه‌دیده تأسیس شده است، از دیدگاه فقها و علمای حقوق، قاضی بایستی شرایط ویژه‌ای داشته باشد تا بتواند رسالت خود را در جهت تحقق عدالت فردی و اجتماعی ایفاء نماید و به منظور دست‌یابی به این مهم، دستگاه قضایی نیازمند قضات و دادرسان مطلع به مبانی فقهی و حقوقی، مستقل و دارای مصونیت کافی است که فارغ از هرگونه اهداف و اغراض شخصی، صرفاً بر اساس قانون و قسط و عدل به حل و فصل دعوی و خصومت بپردازند؛ اما علیرغم بر خورداری از مصونیت و استقلال، به منظور جلوگیری از خودرأیی و خودمحوری و انحراف احتمالی قاضی، مسئولیت وی در نظام حقوقی اسلام پیش بینی شده است تا هم پاسخگوی تصمیمات ناشی از اشتباه و تقصیر خود در قبال افراد متضرر از تصمیمات احتمالی اشتباه باشد و امیدوارانظر جامعه از دستگاه قضائی مبدل به یأس نگردد (بهره مندو همکاران، ۱۳۹۶: ۲۲۹).

قاضی نیز مانند سایر انسان‌های دیگر ممکن است در نحوه رسیدگی و فرآیند دادرسی و انشاء رای در اثر تقصیر و اشتباه، سبب ضرر و خسارتی گردد و نمی‌توان وی را به بهانه موقعیت شغلی مسبوط‌الید، بدون مسئولیت و مطلق‌العنان رها نمود و ایشان با توجه به اصول قانونی و مبانی اسلامی مانند «اوفوا بالعهد ان العهد کان مسئولاً» و قواعد فقهی و حقوقی مانند قاعده «لا ضرر و ضمان» مسئول شناخته می‌شود که بایستی پاسخگوی تصمیمات مقتضی خود باشد؛ زیرا صرف مصونیت، رفع مسئولیت از وی نخواهد کرد و این مسئولیت هم مورد تنصیب قانونگذار قرار گرفته و هم مستنبط از روح حاکم بر اصول قانونی و منابع فقهی است. در واقع مهمترین منبع مسئولیت مدنی قاضی اصل ۱۷۱ «قانون اساسی» و ماده ۳۰ «قانون نظارت بر رفتار قضاوت مصوب ۱۳۹۰» می‌باشد. پس از آن ماده ۵۸ «قانون مجازات اسلامی» در اجرای این اصل مقرر داشته است: «هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی



یا معنوی متوجه کسی گردد، در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی، چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود» (گلدوزیان، ۱۳۷۸: ۳۰۴).

ماده ۲۳۵ «قانون آئین دادرسی کیفری» و ماده ۳۲۶ «قانون آئین دادرسی مدنی» نیز در صد اجرایی تر کردن این امر، سه روش برای رسیدگی به آراء قابل نقض به سبب اشتباه قاضی بیان داشته است: ۱. وقتی قاضی، خود به اشتباه موجود در رأی صادره پی ببرد. ۲. وقتی قاضی دیگری که پرونده از راه قانونی به دست وی رسیده است، به اشتباه پی ببرد. ۳. وقتی مشخص شود، قاضی صلاحیت رسیدگی و انشای رأی را نداشته است (اسدی، ۱۳۹۰: ۱۳).

چنانچه تقصیر و تخلف قاضی در صدور رأی اشتباه در دادگاه عالی انتظامی قضات محرز نگردد، دادخواست مطالبه ضرر و زیان باید به طرفیت دادستان به عنوان حافظ منافع عموم، بالتبع حافظ منافع بیت‌المال ارائه گردد. در صورتیکه زیان دیده بتواند رابطه سببیت بین صدور رأی اشتباه و ضرر و زیان وارده را اثبات نماید، محکومیت قاضی صادرکننده اشتباه (در صورت اثبات تقصیر وی) یا بیت‌المال (در صورت عدم تقصیر قاضی) مطابق قوانین امکان‌پذیر می‌باشد (پورکرمی، ۱۴۰۰). هر چند که قضات از مصونیت و اقتدار برخوردار هستند؛ اما بحث در این است که آیا این مصونیت رافع مسئولیت وی می‌باشد یا خیر؟ آیا در نظام قضائی، مکانیسم و ضمانت‌هایی در راستای جلوگیری از خود رأیی، تقلیل و پیگیری تصمیمات ناشی از اشتباه و تقصیر قاضی وجود دارد یا خیر؟ به منظور پاسخ‌گویی به این دسته سؤالات و شبهات، نیاز است که پژوهش‌هایی از سوی حقوق‌دانان و پژوهشگران حقوقی در این حوزه به عمل آید تا موضوع به درستی تبیین و شفاف گردد. ابزار قانونی در جهت کنترل و نظارت بر کار و تصمیمات قاضی از سوی قانونگذار پیش‌بینی شده است تا قاضی علیرغم مصونیت در قبال ضررهای وارده بر اصحاب دعوی ناشی از تقصیر و اشتباه خود، دارای مسئولیت مدنی باشد و ملزم به جبران خسارت گردد که در این پژوهش با مراجعه به منابع و مأخذ فقهی و حقوقی ضمن استنباط از این منابع به این موضوع پرداخته شده است. بدین ترتیب، در تحقیق حاضر تلاش بر آن است تا به بحث و بررسی پیرامون مسئولیت مدنی قضات براساس اشتباهات در صدور حکم به صورت مطالعه موردی اشتباهات قضات در دادگستری رشت پرداخته شود.



مرور پیشینه‌ها

مفهوم امنیت را می‌توان دارای قدمتی طولانی تر از مفهوم اجتماع و جامعه دریافت. تا کنون در زمینه امنیت، تعاریف گسترده‌ای ارائه گردیده است. تعاریف لغوی مختلفی که از حالات و موقعیت‌های ذهنی (احساس امنیت) تا موقعیت‌های عینی و بیرونی (موقعیت ایمن) در نوسان است. «امنیت» واژه‌ای عربی از ریشه امن است. در فرهنگ آکسفورد، واژه Security به «در حفظ بودن، فراغت از خطر یا اضطراب و تشویش» معنی شده است. در لغت نامه دهخدا، امنیت، «بی‌خوفی و امن، ایمن شدن، در امان بودن» معنی شده است. فرهنگ معین نیز امنیت را این چنین تعریف می‌نماید: «ایمن شدن، در امان بودن، نداشتن بیم و بی‌بیمی». در ارتباط با مسئولیت مدنی و اشتباهات قضات و امنیت شهر مطالعات زیادی بصورت کتاب، مقاله و پایان نامه در مقاطع مختلف انجام شده که به برخی از آنها اشاره می‌گردد:

قرایی و همکاران، ۱۳۸۹، در بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری نمونه موردی مناطق ۲ و ۱۱ به این نتیجه رسیده‌اند که مردم در انتخاب فضاهای ناامن در کل شهر تفاهم نسبی دارند. اکثریت آنها محله‌های پایین شهر، حاشیه ساختمانهای نیمه کاره و کوچه‌های خلوت و تاریک را، فضاهایی با امنیت کم ارزیابی می‌کنند. این حس عدم امنیت، در خیابان‌های شلوغ و مملو از جمعیت کاهش می‌یابد. مردم حضور موثر پلیس و نیروی انتظامی، ارتقاء سطح فرهنگی و وجود شرایط مناسب فضا را مهمترین عامل در ایجاد حس امنیت می‌دانند. نادری و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله خود تحت عنوان امنیت شهری و عوامل ایجاد کننده ناامنی در شهرها به این نتیجه رسیده‌اند که افزایش ناامنی‌های اجتماعی، سرقت‌ها، رفتارهای غیرمسئولانه و ضداجتماعی که امروزه در بسیاری از جوامع به شکل حاد درآمده و از حالتی که پدیده اجتماعی خارج و به صورتی که مسئله اجتماعی نمودار گشته است که نه تنها سلامتی و امنیت جامعه را به مخاطره می‌اندازد، بلکه هزینه‌های مالی گزاف را تحمیل مالیات دهندگان و ساکنین این شهرها می‌کند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که شهرها از امنیت خوبی برخوردار نیستند و باید در این زمینه به چاره جویی پرداخت. صفایی و رحیمی، (۱۳۹۷) در کتاب خود تحت عنوان «مسئولیت مدنی الزامات خارج از قرارداد» در انتشارات سمت بیان داشته است که مسئولیت مدنی عبارتست از تعهد و الزامی که شخص به جبران زیان وارد شده به دیگری دارد؛ اعم از اینکه زیان مذکور در اثر عمل شخص مسئول و یا عمل اشخاص وابسته به او یا ناشی از اشیاء و اموال تحت مالکیت یا تصرف او باشد. کاتوزیان، (۱۴۰۱) در کتاب خود تحت عنوان «مسئولیت مدنی، الزام‌های خارج



از قرارداد» جلد ۲ «مسئولیت‌های خاص و مختلط به مواردی مانند: مسئولیت ناشی از فعل غیر اعم از مسئولیت کارفرما، مسئولیت متصدی حمل و نقل، مسئولیت سرپرست یا محافظ صغیر و مجنون، مسئولیت ناشی از مالکیت و حفاظت اموال اعم از مسئولیت‌های عمومی (ناشی از تقصیر)، مسئولیت خاص دارنده خودرو، مسئولیت ناشی از تولید و عرضه کالا، مسئولیت پزشکی و ورزشی، مسئولیت ناشی از استیلاء نامشروع تضمین حق مظلوم اعم از مفهوم غصب، آثار غصب، مسئولیت تضامنی غاصبان، دعوی غصب و فصل پنجم: استیفاء اعم از استیفاء مشروع و استیفاء نامشروع اشاره نموده است. نظری، (۱۴۰۱) در کتاب خود تحت عنوان «الزام‌های بدون قرارداد» (مدنی ۴) به مواردی چون مسئولیت مدنی، کلیات مربوط به الزام‌های خارج از قرارداد، مسئولیت متصرف مال غیر، دارا شدن بدون علت، ایفاء ناروا، غصب، اتلاف، تسبیب و استیفاء اشاره داشته است. حکمت نیا و فیاضی، (۱۳۹۳) در مقاله خود تحت عنوان «مسئولیت مدنی ناشی از تصرفات مالکانه»، به این نتیجه رسیده که یکی از حوزه‌های مهم مسئولیت مدنی، ناشی از تصرفات مالکانه است که منجر به ورود ضرر به غیر می‌شود. بررسی مسئولیت در این موارد در گرو بررسی میزان و چگونگی دلالت ادله دارای اقتضای اثبات ضمان، میزان و چگونگی دلالت ادله صالح برای ایجاد مانع در برابر اقتضائات مزبور است. ادله مقتضی مسئولیت، قواعد اتلاف و تسبیب و لاضرر در طرف غیر هستند که قواعد سلطه، لاجرح و لاضرر در طرف مالک نیز صلاحیت مانعیت در برابر آنها را دارند. وجود عواملی مانند «قصداضرار داشتن یا نداشتن مالک از تصرف»، «علم داشتن یا نداشتن مالک نسبت به ورود ضرر به غیر»، «به اندازه نیاز بودن یا نبودن میزان تصرف مالک»، «ضرر کردن یا ضرر نکردن مالک از عدم تصرف»، «به حرج افتادن یا نیفتادن مالک در صورت عدم تصرف» و «میزان ضرر همسایه در مقایسه با ضرر مالک» در این نوع از تصرفات تعیین‌کننده جریان یا عدم جریان هر یک از ادله مزبور در مورد می‌باشند؛ از اینرو در مقاله با تفکیک شرایط مختلف موضوع، نحوه جریان و جمع بین ادله فوق، نشان داده شده و موارد ثبوت مسئولیت مشخص شده‌اند. موسوی فراز، (۱۳۹۵) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «تبیین مسئولیت مدنی قضاات ناشی از صدور رأی در پرتو رویه قضایی ایران»، به این نتیجه رسیده است که مهمترین منبع مسئولیت مدنی قاضی اصل ۱۷۱ «قانون اساسی» و ماده‌ی ۳۰ «قانون نظارت بر رفتار قضاوت مصوب ۱۳۹۰» می‌باشد. متأسفانه به دلیل اختلاف نظرهایی که در میان دادگاه عالی انتظامی قضاات و دادگاه عمومی حقوقی تهران در برداشت از ماده‌ی ۳۰ «قانون قضاوت بر رفتار قضاات» وجود دارد، تاکنون هیچ قاضی در دعوی مسئولیت مدنی قاضی محکوم نشده است و این امر موجب تضییع حقوق



زیان دیده می‌شود. بهاری اردکانی و همکاران، (۱۳۹۵) در مقاله خود تحت عنوان «مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست رفته» به این نتیجه رسیده‌اند که مسئولیت ناشی از فرصت و موقعیت از دست رفته از یک سو شامل مسئولیت مدنی به معنی اخص و از سوی دیگر شامل مسئولیت قراردادی می‌شود؛ پس آنچه مسلم است، باید ارکان هر یک از این مسئولیت‌ها برای تحقق قابلیت جبران آن وجود داشته باش در غیر این صورت شکی در غیرقابل جبران بودن چنین زبانی به علت عدم تحقق ارکان هر یک از این دو دسته مسئولیت نیست. اسدی، (۱۳۹۷) در مقاله خود تحت عنوان «شناخت مرجع قضایی صالح در منازعات ناشی از مسئولیت مدنی» به این نتیجه رسیده است که بی‌گمان حلقه اتصال یک حق مکتسبه ناشی از مسئولیت مدنی و جبران خسارت، دادگاه صلاحیت‌دار رسیدگی به موضوع مطروحه است، به تعبیری بایستی گفت دادگاه صالح به رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی واسطه‌العقد دو کفه مسئولیت و جبران خسارت خواهد بود. قانونگذار در «قانون آیین دادرسی مدنی» معیارهای صلاحیت دادگاه را معین نموده است و با تبعیت از این معیارها در دعاوی مطروحه از جمله دعاوی مسئولیت مدنی، اقامه کننده دعوی به دادگاه صالح هدایت خواهد شد. تردیدی نیست که وقتی در صلاحیت یک دادگاه در موضوع مشخصی تردیدی حاصل می‌آید، در عادلانه بودن آن دادرسی تشکیک باید کرد؛ چراکه مراجعه به دادگاه صلاحیت‌دار جزو اصول خدشه‌ناپذیر دادرسی عادلانه در تمام سیستم‌های حقوقی است. به دلیل همین اهمیت است که مقنن در اصل سی و چهارم «قانون اساسی» به این موضوع اشاره و مراجعه به دادگاه صلاحیت‌دار را حق مسلم هر فرد دانسته است. ابریشمی راد و آئینه‌نگینی، (۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان «نقد صلاحیت دیوان عدالت اداری در صدور رأی وحدت رویه» به این نتیجه رسیده‌اند که اگرچه «قانون اساسی» صدور رأی وحدت رویه را در صلاحیت دیوان عالی کشور دانسته و صدر اصل ۱۷۳ «قانون اساسی» نیز صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری را تبیین کرده، در قوانین عادی، از جمله صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری صدور رأی وحدت رویه قرار گرفته است. مبتنی بر مطالعات توصیفی - تحلیلی، با بررسی این صلاحیت مشخص شد که پیش‌بینی صلاحیت صدور رأی وحدت رویه برای دیوان عدالت اداری با اصول مختلف «قانون اساسی» از جمله اصول ۷۳، ۱۷۳، ۱۶۱ و همچنین اصول و قواعد حقوقی همچون «استقلال قضات» و «عدم صلاحیت» مغایرت دارد؛ علاوه بر این، با توجه به وجود راهکار قانونی مندرج در اصل ۱۶۱ «قانون اساسی»، حتی با در نظر گرفتن اقتضایات خاص قضایی، پیش‌بینی این صلاحیت برای دیوان عدالت اداری از طریق مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز فاقد توجیه قانونی و مصلحتی است؛ پور کرمی، (۱۴۰۰)



در مقاله خود تحت عنوان «مسئولیت مدنی ناشی از اشتباه قاضی در صدور حکم و نحوه جبران خسارت»، به این نتیجه رسیده‌اند که چنانچه تقصیر و تخلف قاضی در صدور رأی اشتباه در دادگاه عالی انتظامی قضاات محرز نگردد، دادخواست مطالبه ضرر و زیان باید به طرفیت دادستان به عنوان حافظ منافع عموم بالتبع حافظ منافع بیت المال ارائه گردد، در صورتیکه زیان دیده بتواند رابطه سببیت بین صدور رأی اشتباه و ضرر و زیان وارده را اثبات نماید، محکومیت قاضی صادرکننده اشتباه (در صورت اثبات تقصیر وی) یا بیت‌المال (در صورت عدم تقصیر قاضی) مطابق قوانین امکان‌پذیر می‌باشد. در این مقاله ضمن بررسی انواع خسارت ناشی از آراء قاضی به چگونگی جبران خسارت ناشی از این آراء پرداخته است. صفایی و راضی، (۱۳۹۹) در مسئولیت مدنی قاضی و تحول آن در فقه و حقوق ایران و فرانسه، به این نتیجه رسیده‌اند که در حقوق ایران در صورت عمد یا تقصیر سنگین و اشتباه ناخوشدونی قاضی، طرح دعوی علیه وی و در غیر اینصورت، طرح دعوی علیه دولت انجام می‌گیرد. این در حالی است که «قانون جدید آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲» در مورد خسارت ناشی از حبسی که منجر به برائت شده، همان روشی را پیش گرفته که در حقوق فرانسه و نظام‌های پیشرفته دیگر جاری است، به این بیان که دولت را مسئول جبران خسارت زیان دیده می‌داند و در عین حال حق رجوع دولت، به قاضی مقصر را محفوظ داشته است که این امر موجب تضمین حقوق زیان دیده می‌شود؛ بنابراین سرایت دادن این حکم به تمام مواردی که در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی خسارت مادی و معنوی به اصحاب دعوی وارد می‌شود، موجب پیشبرد عدالت و تأمین هر چه بیشتر حقوق زیان دیده خواهد شد. شمسی، (۱۴۰۱) به مسئولیت مدنی قاضی در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران پرداخته و به این نتیجه رسیده است که قضاوت و نفوذ آن از مصادیق ولایت است و قاضی بر حکم ولایت دارد، به همین جهت قضاات نگهبانان عدالت و آزادی و مسئول احیاء حقوق مردم هستند که برای ایفای سهم خود به طور شایسته، باید در مقابل صاحبان نفوذ و قدرت و تمایلات آنان مستقلانه عمل نمایند و از عزل و تغییر شغل و تنزل مقام، مصون باشند و برخلاف نظر فقهاء باید این مصونیت را محدود کرد؛ زیرا محدود کردن مصونیت باعث می‌شود قضاات به عواقب اهمال، بی‌مبالاتی و تقصیر و اشتباه خود واقف باشند. حال اگر قضاات که مأمور اجرای قانون و حق و عدالت هستند، در مقام صدور رأی، مرتکب اشتباهی شوند، در صورتیکه مبنای اشتباه، تقصیر بوده باشد، شخص قاضی در مقابل زیان دیده مسئولیت مدنی پیدا می‌کند و خود باید از عهده ضرر برآید؛ ولی اگر مرتکب اشتباه ناشی از قصور شود، مسئولیت جبران آن به عهده دولت خواهد بود. صالحی مازندرانی، (۱۳۸۴) در مقاله خود با عنوان



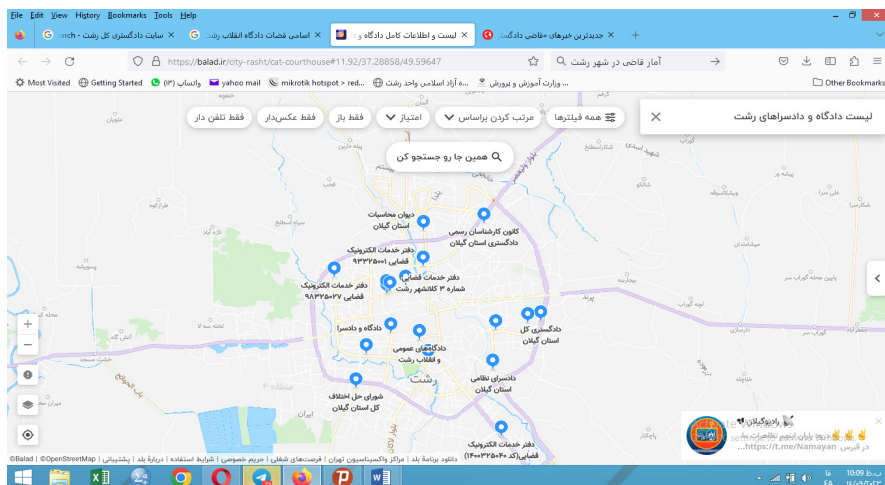
«تأملی بر مسئولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی»، به این نتیجه رسیده‌اند که تا نیمه اول قرن بیستم، قضا در زمره کسانانی بودند که مصونیت آنها امری استثناپذیر می‌نمود. به واسطه جنبش‌های فکری به وجود آمده، به تدریج اصل مصونیت مورد انتقاد قرار گرفت و لذا به تدریج این خواسته در جنبش قانونگذاری رسوخ نمود. در اصل یکصد و هفتاد و یکم «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران» با الهام گرفتن از متون روایی، نیز به مسئولیت شخصی قضا در صورت تقصیر تصریح گردیده است؛ اما ایهامات ناشی از برخی واژگان به کار گرفته شده در آن موجب گردید تا اصل مذکور نتواند به هدف خویش نائل آید. رحماندوست، (۱۳۹۹) در مقاله خود به مسئولیت قضا در اشتباهات قضایی پرداخته و به این نتیجه رسیده است که اصل ۱۷۱ «قانون اساسی» با هدف حمایت از زبان دیدگان از اشتباهات قضایی تدوین و مصوب شده، مسئول جبران خسارات وارده بر ایشان را معین نموده است و البته شیوه عملی نمودن این اصل را به قوانین عادی واگذار نموده است. گرچه حقوقدانان معتقد بوده‌اند مرجع احراز اشتباه یا تقصیر قاضی را باید دادگاه عالی انتظامی قضا دانست و زبان دیده باید ابتدا برای اثبات تقصیر یا اشتباه به دادگاه مزبور شکایت نماید و سپس بر مبنای آن برای جبران خسارت به دادگاه عمومی برود؛ لکن متأسفانه سال‌های متمادی ماده قانونی جامع و کاملی در جهت اجرای این اصل تصویب نشده بود و در کمال تأسف عمل به این اصل کمتر از آن بوده است که رویه مدونی بیابد. خوشبختانه در سال‌های اخیر در قوانین و آیین‌های جدید کیفری در مواد پراکنده‌ای به این موضوع پرداخته شده است؛ لکن باز هم نواقص و اشکالات مهمی در آنها وجود دارد. پیرنیاکان و همکاران، (۱۳۹۹) در مقاله خود با عنوان «وظایف حمایتی دستگاه قضایی در پیشگیری از آسیب‌های شغلی قضا در ایران» به این نتیجه رسیده‌اند که فقه امامیه که شاکله نظام قضایی ایران بر آن استوار است، نگاهی خاص به منصب قضا دارد؛ از جمله برای ایشان از حیث معیشتی مقررات خاصی تعیین نموده است. بطور مثال میزان ارتزاق قضا از بیت‌المال باید به گونه‌ای باشد تا در اداره زندگی متناسب با شأن خود نیازمند کسی نباشند و امکان نفوذ در آنان میسر نگردد. با این وجود در قوانین موضوعه به شأن قضا و مصادیق آن مانند تأمین مالی، حمایت‌های رفاهی و روانشناختی آنان توجه کافی مبذول نگردیده است، به گونه‌ای که رفع این مسائل یکی از دغدغه‌های اساسی قضا به شمار می‌آید. از سوی دیگر یکی از سیاست‌های تنبیهی دستگاه قضایی در پیشگیری از جرائم ارتكابی قضا که خود می‌تواند حاصل آسیب‌های وارده به ایشان باشد، تشهیر قضا مجرم است تا بدینوسیله جدیت دستگاه قضایی در برخورد با مظاهر فساد حتی در درون خود را به نمایش بگذارد، بدون



اینکه به لزوم اصلاح ریشه این معضلات توجه بایسته گردد. با توجه به مطالعه پیشینه تحقیق، روشن گردید، پیرامون موضوع تحقیق حاضر تاکنون تحقیق مستقل و جامع انجام نیافته است، بدین ترتیب تحقیق حاضر نسبت به سوابق فوق جنبه نوع آوری دارد.

روش‌شناسی تحقیق

از نظر هدف این پژوهش، جزء پژوهش‌های توسعه‌ای و از نظر روش گردآوری داده‌ها، جزء پژوهش‌های توصیفی و از نظر نوع داده‌ها، جزء پژوهش‌های کیفی است. روش گردآوری داده‌ها با توجه به نوع تحقیق کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی می‌باشد. ابزار گردآوری اطلاعات، فیش برداری و همچنین پرسشنامه محقق ساخته است. تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت توصیفی - تحلیلی انجام شده؛ لذا در این تحقیق پس از جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای، اسنادی و پرسشنامه ابتدا به طبقه‌بندی داده‌های خام پرداخته و سپس با استفاده از نرم افزار SPSS به تجزیه و تحلیل آماری پرداخته شده است و در نهایت با استفاده از آزمون‌های آماری به ارزیابی نتایج تحقیق پرداخته شده است. جامعه آماری، کل قضات شهر رشت می‌باشد. براساس اطلاعات آرشو دادگستری استان گیلان تعداد ۱۶۳۸ کارمند و ۳۷۵ قاضی در استان گیلان مشغول به فعالیت بوده که از این تعداد حدود ۱۳۰ نفر در شهر رشت مشغول قضاوت می‌باشند. حجم نمونه براساس جدول مورگان انتخاب گردیده و بر این اساس تعداد ۹۷ نفر به صورت تصادفی از بین قضات، وکلا، مشاوران حقوقی، کارمند حقوقی سازمانها و ادارات شهر رشت و غیره بصورت تصادفی و با استفاده از پرسشنامه در غالب ۵ بخش و تعداد ۲۹ سوال از طیف لیکرت ۵ گزینه‌ای مورد ارزیابی قرار گرفتند. روایی محتوایی ابزار مورد استفاده در این تحقیق با توجه به مبانی نظری مورد بررسی قرار گرفت؛ همچنین روایی صوری پرسشنامه به تأیید خبرگان و کارشناسان حقوقی اعم از وکلا، قضات، استادان حقوق دانشگاه، مشاوران حقوقی و غیره رسید. جهت تعیین پایایی ابزار تحقیق نیز با استفاده از ۳۰ نمونه مقدماتی و در نهایت ۹۷ نمونه مقدار ضریب آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS محاسبه گردید. در تحقیق مورد مطالعه قابلیت اعتماد ۰,۷۳۷ بوده و نشان‌دهنده قابلیت اعتماد کامل است.



نقشه ۱. مراکز حقوقی شهر رشت

جدول ۱. تعداد و محل فعالیت قضات شهر رشت

نام دادگاه	دادگاه پل	دادگاه میدان	دادگاه خانواده	شورای حل اختلاف	دادگاه تجدید نظر	جمع
تعداد قاضی	۵۳	۱۶	۶	۵	۵۰	۱۳۰

یافته‌ها

جهت مطالعه تحلیلی مسئولیت مدنی قضات پیرامون اشتباهات قضات دادگستری رشت در صدور حکم و نقش آن در امنیت شهر ابتدا به بررسی وضعیت شعبه‌های فعال مراجع قضایی در شهرستان رشت پرداخته و پس از آن به نظر سنجی پاسخ دهندگان جامعه آماری در ارتباط با مبنا و منشأ تقصیر قضات دادگستری در صدور حکم، مبنا و ملاک تشخیص مسئولیت مدنی قضات پیرامون اشتباهات در صدور حکم، شرایط لازم جهت جبران خسارت ناشی از صدور حکم اشتباه توسط قضات و میزان رضایت‌مندی شهروندان در احراز تقصیر قضات دادگستری شهر رشت پرداخته شده است.



- بررسی وضعیت شعبه‌های فعال مراجع قضائی در شهرستان رشت

داده‌های اسنادی موجود در سالنامه آماری استان گیلان، در سال‌های مورد نظر نشان می‌دهد که در سال ۱۳۹۶ در شهرستان رشت تعداد ۴۵ دادگاه عمومی، ۴ دادگاه انقلاب، ۲۲ دادگاه تجدید نظر، ۳ دادگاه کیفری، ۲۹ دادسرا و ۴۱ شورای حل اختلاف وجود داشته است. روند تغییرات در سال ۱۳۹۷ متفاوت بوده و تعداد دادسرا ۲۶ مورد و تعداد شورای حل اختلاف گزارش نشده است. در سال ۱۳۹۹ تعداد دادگاه عمومی به ۴۸ مورد افزایش یافته و تعداد دادسرا به ۶ مورد کاهش یافته است. روند تغییرات در سال ۱۴۰۱ نشان می‌دهد که تعداد دادگاه عمومی به تعداد ۴۴ مورد کاهش یافته و تعداد دادگاه تجدید نظر به ۲۸ مورد افزایش و دادگاه کیفری ۴ مورد و تعداد دادسرا ۳۳ و تعداد شورای حل اختلاف به ۲۴ مورد رسیده است.

جدول ۲. شعبه‌های فعال مراجع قضائی در شهرستان رشت

شورای حل اختلاف	دادسرا	دادگاه				سال
		کیفری	تجدید نظر	انقلاب	عمومی	
۴۱	۲۹	۳	۲۲	۴	۴۵	۱۳۹۶
۰	۲۶	۳	۲۲	۵	۴۷	۱۳۹۷
۰	۲۷	۰	۰	۵	۴۷	۱۳۹۸
۰	۶	۰	۰	۵	۴۸	۱۳۹۹
۲۴	۳۳	۴	۲۶	۵	۴۴	۱۴۰۰
۲۴	۳۳	۴	۲۸	۵	۴۴	۱۴۰۱

مآخذ: سالنامه آماری استان گیلان در سال‌های آماری ۱۴۰۱-۱۳۹۶

- مبنا و منشاء تقصیر قضات در باب اشتباهات در صدور حکم

برای ایجاد اعتماد اجتماعی باید تمهیداتی در نظر گرفته شود تا مردم در کنار هم احساس امنیت کنند. امنیت را زمانی می‌توان برقرار کرد که از یک طرف موارد خلاف هنجار برطرف شود و از طرف دیگر ثبات در کلیه ارکان جامعه، مخصوصاً در ابعاد اقتصادی و سیاسی و اجتماعی حاصل شود.



نظر به اینکه صدور حکم در یک پرونده قضائی تأثیر بسیار زیادی در زندگی اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و غیره یک انسان دارد؛ لذا قضات محترم باید در شرایط بسیار مناسبی بوده و همچنین علم کامل به موضوع مورد نظر داشته باشند، تا بتوانند در صدور حکم عدالت را رعایت نمایند.

– مبنا و ملاک تشخیص مسئولیت مدنی قضات پیرامون اشتباهات در صدور حکم

قضاء شعبه‌ای از ولایت است که از نظر ارزش و مکانت، والاترین و از جهت مسئولیت خطیرترین منصب محسوب می‌گردد. صحت ولایات به صورت عام مشروط به تحقق غایات آن؛ یعنی تحقق مصالح و درء مفاسد، است. اصل در قضاء، اجرای عدالت و احقاق حق و رفع خصومت است و قاضی صرفاً برای صدور حکم قضاوت نمی‌کند؛ بلکه وظیفه او تحقق غرض حکم یعنی حق و عدالت است. طبیعت قضاوت، نقص قانون، نابسامانی دستگاه قضایی، تعدد مراجع تحقیقاتی و نقص در تحقیقات مقدماتی بر احتمال خطای قضات می‌افزاید و چه بسا در اثر خطای قاضی خسارت‌های مادی و معنوی غیرقابل جبران به وجود آید. از طرفی، ضرورت‌های شغل مهم و پر خطر قضاء اقتضا می‌کند تا قواعد عمومی مسئولیت مدنی بر اعمال قضات حاکم نباشد؛ زیرا در اینصورت قاضی در برابر دعاوی زیادی قرار می‌گیرد که در آن تصور اهمال در وظیفه یا ارتکاب خطا وجود دارد. مطالعات میدانی نگارنده و مصاحبه با برخی از وکلا و مشاوران حقوقی و نظرسنجی از مجموعه ۹۷ نفر جامعه آماری پاسخ‌دهنده بیش از ۴۵ درصد از پاسخ‌دهندگان، میزان پی بردن اشتباه قضات بعد از صدور حکم و تشخیص اشتباه بودن حکم صادره از طرف قضات رشت بعد از اجرایی شدن حکم به دلایل مختلف را بسیار زیاد، زیاد و متوسط بیان کرده‌اند. بیش از ۶۵ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان پی بردن اشتباه قضات بعد از صدور حکم و پی بردن به اشتباه صدور حکم اجرای احکام در دادگستری رشت و حدود ۸۰ درصد و میزان پی بردن به اشتباه بودن حکم قاضی توسط متضررین پرونده را بسیار زیاد، زیاد و متوسط بیان کرده‌اند. و در نهایت بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند که اشتباه در صدور برخی احکام تأثیر زیادی در امنیت شهر دارد.



جدول ۴. مولفه‌های موثر مبنا و ملاک تشخیص مسئولیت مدنی قضاات پیرامون اشتباهات در صدور حکم

تأثیر در امنیت شهر	از طرف قضاات رشت بعد از اجرایی شدن حکم به دلایل مختلف	اجرای احکام در دادگستری	حکم قاضی توسط متضررین پرونده	دادگاه تجدیدنظر قبل از اجرا شدن حکم	تشخیص توسط قاضی دیگر	پی بردن اشتباه	گویه
۵۲	۹,۳	۳,۱	۱۳,۴	۱۱,۳	۱۱,۳	۶,۲	بسیار زیاد
۳۰	۳۴,۰	۱۷,۵	۴۷,۴	۲۳,۷	۳۷,۱	۱۱,۳	زیاد
۱۲	۳۲,۰	۴۱,۲	۲۹,۹	۳۰,۹	۲۰,۶	۲۷,۸	متوسط
۶	۲۴,۷	۳۲,۰	۰	۲۴,۷	۱۸,۶	۳۳,۰	کم
۰	۹,۳	۶,۲	۹,۳	۹,۳	۱۲,۴	۲۱,۶	خیلی کم

– شرایط لازم جهت جبران خسارت ناشی از صدور حکم اشتباه توسط قضاات

در اصل یکصد و هفتاد و یکم «قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران»، با الهام گرفتن از متون روایی، نیز به مسئولیت شخصی قضاات در صورت تقصیر تصریح گردیده است؛ اما ابهامات ناشی از برخی واژگان به کار گرفته شده در آن موجب گردید تا اصل مذکور نتواند به هدف خویش نائل آید. اصل ۱۷۱ «قانون اساسی» در این زمینه مقرر می‌دارد: هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در حکم یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد، در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می‌شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد، باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود (صالحی مازندرانی، ۱۳۶، ۱۳۸۴).

در نظرسنجی از مجموعه ۹۷ نفر جامعه آماری پاسخ‌دهنده بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان جبران خسارت قاضی در صورت مقصر در صدور رأی اشتباه و ورود ضرر، جبران خسارت دولت در صدور رأی اشتباه به متضرر و خسارت قضاات با صدور حکم اشتباه را کم و خیلی کم بیان کرده‌اند.



- میزان رضایت‌مندی شهروندان در احراز تقصیر قضات دادگستری شهر رشت

امنیت بستر تجلی همه نعمت‌های زندگی است. هرگاه امنیت از میان برود، سایر مسائل رفاهی و مواهب مادی و معنوی نیز به خطر خواهد افتاد، در یک محیط ناامن امکان زندگی توأم با سربلندی و آسودگی فکر، تلاش و کوشش برای پیشبرد هدف‌های اجتماعی وجود ندارد. مقابله بانامنی در شهر بدون شناخت علل پیدایش آن، امکان‌پذیر نیست. تحولات و پیشرفت‌های علمی در چند سده گذشته برای امنیت بخشی به زندگی شهروندان در شهرها موفقیت زیادی نداشته است (نادری و همکاران، ۱۳۹۱).

همچنین لایحه «نظارت بر رفتار قضات» که بنا به پیشنهاد قوه قضائیه تحت عنوان «لایحه تشکیلات دادسرا و دادگاه عالی و نظارت انتظامی بر رفتار قضائی» تقدیم هیأت وزیران شده بود، در تاریخ ۱۳۸۹/۳/۲ در این هیأت به تصویب رسید و برای طی تشریفات قانونی و تصویب در مجلس شورای اسلامی به این نهاد ارسال شد. در مقدمه توجیهی این لایحه بیان شده بود: «نظارت بر رفتار قضائی از مقوله‌هایی است که تمامی نظام‌های حقوقی در گذشته و حال بر آن تأکید داشته و دارند و در نظام قضائی اسلام نیز این امر همواره مورد عنایت بوده است. حضرت علی (علیه السلام) در فرمان خود به مالک اشتر ضمن برشمردن شرایط انتخاب قاضی و حفظ حیثیت و رعایت استقلال و تأمین معیشت وسیع برای او، دستور نظارت و بازرسی اعمال قضات را صادر و مقرر فرموده است: «از قضات خود و نحوه کارشان بسیار خبر گیر و بررسی و تحقیق کن مبادا که در رفتار و عمل و نحوه قضاوت از حدود الهی و اخلاق اسلامی خارج شوند (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰). در نظرسنجی از مجموعه ۹۷ نفر جامعه آماری پاسخ‌دهنده بیش از ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، میزان اعتماد شهروندان به صدور حکم صحیح از سوی قضات را بسیار زیاد، زیاد و متوسط بیان کرده‌اند. بیش از ۵۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، میزان طرح دعوی به علت اشتباه قاضی و مقصر بودن از متضرر طرف دعوی را کم و خیلی کم بیان کرده‌اند؛ همچنین بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، میزان منصرف شدن طرح دعوی بر علیه قاضی از متضررین طرف دعوی را بسیار زیاد، زیاد و متوسط بیان کرده‌اند. و بیش از ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، میزان جبران خسارت به طور کامل از متضرر طرف دعوی رشت را کم و خیلی کم بیان کرده‌اند بیش از ۷۰ درصد از پاسخ‌دهندگان، میزان نتوانستن به تمام حقوق خود از متضرر طرف دعوی را بسیار زیاد، زیاد و متوسط بیان کرده‌اند. و در نهایت بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌دهندگان میزان رضایت خود از امنیت در شهر را زیاد و خیلی زیاد بیان نموده‌اند.

جدول ۶. مؤلفه‌های تأثیرگذار میزان رضایت‌مندی شهروندان در احراز تقصیر قضات دادگستری

میزان رضایت از امنیت در شهر	متضرر طرف دعوی	نیزانستن به تمام حقوق خود از متضرر طرف دعوی	جبران خسارت به طور کامل از متضرر طرف دعوی	قاضی از متضررین طرف دعوی منصرف شدن طرح دعوی بر علیه قاضی از متضررین طرف دعوی	طرح دعوی به علت اشتباه قاضی و مقصر بودن از متضرر طرف دعوی	صحیح از سوی قضات	اعتماد شهروندان به صدور حکم	گویه
۵۲	۳۳,۰	۳,۱	۱۴,۴	۳,۱	۳,۱	۶,۲	بسیار زیاد	
۲۸	۱۹,۶	۹,۳	۳۴,۰	۳,۱	۳,۱	۱۹,۶	زیاد	
۱۱	۲۴,۷	۱۱,۳	۱۶,۵	۲۳,۷	۲۳,۷	۲۷,۸	متوسط	
۵	۱۳,۴	۴۲,۳	۱۳,۴	۲۴,۷	۲۴,۷	۲۷,۸	کم	
۴	۹,۳	۳۴,۰	۲۱,۶	۳۳,۰	۳۳,۰	۱۸,۶	خیلی کم	

– بحث و نتیجه‌گیری

امنیت همیشه به عنوان یک عنصر مهم سایر ابعاد زندگی را تحت تأثیر قرار داده و به استناد نتایج برخی از تحقیقات انجام شده، اهمیت امنیت در طول تاریخ زندگی شهری ایران از ویژگی حیاتی و استراتژیک برخوردار بوده است. امنیت، زندگی شهری، تجارت، صنعتگری و پیشه‌وری همه با هم به صورت یک منحنی سینوسی حرکت می‌کنند و با امنیت شهرنشینی رونق پیدا می‌کند، ابنیه و آثار معماری شکل می‌گیرد، نظام شهری به سمت نظم ره می‌سپارد، جایگاه‌ها تعریف و بازتعریف می‌شوند، اصناف به سمت تشکل‌های کاملاً کریستالیزه شده حرکت می‌کنند. به مجردی که امنیت تحلیل می‌رود، زندگی شهرنشینی، تجارت و پیشه‌وری نیز تحلیل می‌رود، مهاجرت از شهر شدت می‌گیرد و در مواردی با هجوم بیگانگان شهر نابود می‌شود تا باری دیگر این دور تکراری شروع شود. (خدایی، ۱۳۹۸) براساس اصل یکصد و شصت و چهارم «قانون اساسی»، قاضی را نمی‌توان از مقامی که شاغل در آن است بدون محاکمه و ثبوت جرم یا تخلفی که موجب انفصال است به طور موقت یا دائم منفصل کرد یا بدون رضایت او محل خدمت یا سمتش را تغییر





داد، مگر به اقتضای مصلحت جامعه با تصمیم رئیس قوه قضائیه باشد. به موجب این اصل، تصمیم رئیس قوه در این زمینه مشروط به مشورت با رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل شده است. در این ماده علاوه بر راهکار مصرح در اصل ۱۶۴ که مشورت با دو شخص مذکور است، راهکار دیگری نیز برای مشورت رساندن به رئیس قوه ایجاد نموده که از طریق دادگاه عالی می‌باشد. از آنجا که این راهکار جدید نافی مشورت خواستن از رئیس دیوان عالی کشور و دادستان کل نیست؛ لذا مغایرتی با «قانون اساسی» ندارد و ایرادات سابق مرتفع شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۵۸). مطالعات نشان می‌دهد که رسیدگی نظام‌مند به پرونده‌ها رویکرد دستگاه قضایی بوده و ساماندهی زندانیان، کاهش جمعیت کیفری، مبارزه با فساد، صیانت از جنگل‌ها و تکریم ارباب رجوع و حمایت از سرمایه‌گذاری از اهداف دستگاه قضایی می‌باشد. یکی از مهمترین رسالت‌های دستگاه قضا را تظلم‌خواهی و رسیدگی به دعاوی و شکایات بوده و در واقع رسیدگی سریع تر قضاات به پرونده‌ها مورد توجه است؛ اما با توجه به حساسیت موضوع و برای رعایت عدالت، کیفیت و دقت در رسیدگی‌ها از اولویت‌های اساسی دستگاه قضا است. در حال حاضر میانگین زمان رسیدگی به پرونده‌های کیفری در گیلان حداکثر ۶۰ روز و در پرونده‌های حقوقی که تشریفات آیین دادرسی دارد به سبب نوع کار تقریباً ۹۰ روز است. داده‌های اسنادی نشان می‌دهد که عده بسیار کمی از این جمع خدوم دچار خطا و انحراف می‌شوند و بیشتر افرادی که در دستگاه قضا مشغول خدمت به مردم هستند، در کار و حرفه خود افرادی بسیار عادل و بسیار متعهد هستند. ابزار نظارتی دستگاه قضا، ابزاری بسیار بی‌ملاحظه است به این معنی که به صورت کاملاً مستمر و پیوسته و با جدیت تمام وظیفه نظارتی خود را در حوزه‌های تعیین شده انجام می‌دهد. نتایج حاصل از نظرسنجی بیانگر این است که بیش از ۶۰ درصد از پاسخ‌دهندگان میزان اشتباه قضاات رشت براساس تقصیر در صدور حکم، براساس جهل و ناآگاهی، تطبیق حکم بر موارد خاص، به علت مدارک و مستندات دعوی خلاف واقعیت، توسط دادگاه تجدیدنظر قبل از اجرا شدن حکم، پی بردن به اشتباه صدور حکم اجرای احکام در دادگستری، میزان تشخیص اشتباه بودن حکم صادره از طرف قضاات رشت، بعد از اجرایی شدن حکم به دلایل مختلف، میزان جبران خسارت قاضی در صورت مقصر در صدور رأی اشتباه و ورود ضرر، میزان جبران خسارت دولت در صدور رأی اشتباه به متضرر و در نهایت جبران خسارت به طور کامل از متضرر طرف دعوی رشت متوسط تا کم بیان کرده‌اند و در نهایت بیش از ۷۰ درصد پاسخ‌دهندگان میزان تأثیرگذار شلوغ بودن شعبه در اشتباه کردن قاضی در صدور حکم، اشتباه در نوشتار و تایپ حکم و میزان اتفاق در صدور حکم



توسط قضاات رشت، میزان اشتباه قضاات رشت درباره موضوع دعوی، میزان تأثیر گذاری حالات روحی - روانی، میزان پی به اشتباه بودن حکم قاضی توسط متضررین پرونده میزان نتوانستن به تمام حقوق خود از متضرر طرف دعوی را بسیار زیاد، زیاد بیان کرده‌اند. و در نهایت بیش از ۸۰ درصد پاسخ دهندگان میزان رضایت خود از امنیت در شهر را زیاد و خیلی زیاد بیان نموده و معتقدند که اشتباه در صدور برخی احکام تأثیر زیادی در امنیت شهر و موجب اختلال در شهر شده و امنیت شهر را به خطر می‌اندازد.



منابع

۱. ابریشمی راد، محمدمبین و آئینه نگینی، حسین (۱۳۹۸). نقد صلاحیت دیوان عدالت اداری در صدور رای وحدت رویه، نشریه دانش حقوق عمومی، دوره هشتم، شماره ۳، ۸۵-۱۰۲.
۲. اسدی، بهنام (۱۳۹۷). شناخت مرجع قضایی صالح در منازعات ناشی از مسئولیت مدنی، نشریه قانون یار، دوره دوم، شماره ۷، ۴۸۲-۴۶۷.
۳. اسدی، لیلا (۱۳۹۰). «اشتباه قاضی و نحوه جبران خسارت»، نشریه ندای صادق، شماره ۲۵، ص ۱۳.
۴. باریکلو، علیرضا (۱۳۸۷). مسئولیت مدنی، انتشارات میزان، چاپ دوم.
۵. بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشگرده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشگرده مطالعات راهبردی.
۶. بهاری اردکانی، ابوالفضل-هاشمی باجگانی، سید جعفر و سلیمیان، ابوالفضل (۱۳۹۵). «مسئولیت مدنی ناشی از فرصت از دست رفته، نشریه مجلس و راهبرد، دوره بیست و سوم، شماره ۸۶، ۹۴-۶۹.
۷. بهره‌مند، مهدی- توکلی، احمدرضا و مهدوی، محمدهادی (۱۳۹۶). مبانی قرآنی و روایی مسئولیت مدنی قاضی و جریان آن در قوانین موضوعه، نشریه مطالعات قرآنی پیاپی ۳۲، زمستان، ص ۲۴۷-۲۲۹.
۸. پورکرمی، نرگس (۱۴۰۰). مسئولیت مدنی ناشی از اشتباه قاضی در صدور حکم و نحوه جبران خسارت، چهارمین کنفرانس بین‌المللی فقه، حقوق و پژوهش‌های دینی.
۹. پیرنیاکان، امیر لطفاله- اسماعیلی، مهدی و احسان پور، رضا (۱۳۹۹). وظایف حمایتی دستگاه قضایی در پیشگیری از آسیب‌های شغلی قضات در ایران، نشریه مجله تحقیقات حقوقی، دوره بیست و سوم، شماره ۹۰، ۳۸۲-۳۵۹.
۱۰. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۶). دوره متوسطه حقوق مدنی، تهران: انتشارات گنج دانش.
۱۱. حکمت‌نیا، محمود و فیاضی، مسعود (۱۳۹۳). مسئولیت مدنی ناشی از تصرفات مالکانه، نشریه حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره ۴۰، ۳۷-۷.
۱۲. رحماندوست، مهدیار (۱۳۹۹). مسئولیت قضات در اشتباهات قضایی، نشریه فقه، حقوق و علوم جزا، دوره پنجم، شماره ۱، ۱۷-۱۴.



۱۳. شمس، شقایق (۱۴۰۱). مسئولیت مدنی قاضی در فقه مذاهب اسلامی و حقوق ایران، دومین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ شیراز.
۱۴. شهیدی، مهدی (۱۳۸۳). آثار قرار دادها و تعهدات، ج ۳، تهران: انتشارات مجد.
۱۵. صالحی مازندرانی، محمد (۱۳۸۴)، تأملی بر مسئولیت مدنی قاضی در اصل ۱۷۱ قانون اساسی، فصلنامه حقوق اسلامی، دوره دوم، شماره ۷، ۱۶۰-۱۳۳.
۱۶. صفایی، حسین؛ حبیب الله، رحیمی (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی الزامات خارج از قرارداد، انتشارات سمت.
۱۷. صفایی، سیدحسین؛ سپیده، راضی (۱۳۹۹). مسئولیت مدنی قاضی و تحول آن در فقه و حقوق ایران و فرانسه، دانشگاه قم، مجله پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، دوره ۷، شماره ۳، ۱۲۱-۱۴۸.
۱۸. عمید، حسن (۱۳۷۶). فرهنگ عمید، تهران: سازمان انتشارات جاویدان.
۱۹. عباس زاده، محمد (۱۳۸۳). عوامل موثر بر شکل گیری اعتماد اجتماعی دانشجویان، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۵، صص ۲۹۱-۲۶۷.
۲۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). وقایع حقوقی، تهران: انتشارات دادگستر.
۲۱. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹). وقایع حقوق مدنی، تهران: انتشارات دادگستر.
۲۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷). حقوق مدنی، دوره عقود معین ۱، تهران: انتشارات دهخدا، ج ۱.
۲۳. کاتوزیان، ناصر (۱۴۰۱). مسئولیت مدنی الزامهای خارج از قرارداد، جلد ۲ «مسئولیت‌های خاص.
۲۴. گلدوزیان، ایرج (۱۳۷۸). بایسته‌های حقوق جزای عمومی، نشر میزان، چ سوم.
۲۵. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۹۰). قانون نظارت بر رفتار قضات، دوره ۸، شماره ابلاغیه: ۴۶۳/۴۸۸۵۶.
۲۶. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۱۸). قانون آیین دادرسی مدنی، اصل ماده ۷۲۸.
۲۷. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (۱۳۵۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، فصل یازدهم: قوه قضائیه، اصل ۱۵۶ الی ۱۷۴.
۲۸. موسوی بجنوردی، سید حسن (۱۳۹۱). قواعد فقهیه، قم: دار الکتب العلمیه، ج ۱.
۲۹. موسوی فراز، سید حامد (۱۳۹۵). تبیین مسئولیت مدنی قضات ناشی از صدور رأی در پرتو رویه قضایی ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شاهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.



۳۰. مظاهری سیف، حمید رضا و فریبا نوری (۱۳۷۹). تحقق جامعه مدنی و راههای آن، انتشارات موسسه فرهنگی جوانان موفق، دکلمه گران.
۳۱. نجفی، محمد حسن (۱۴۱۸). جواهر الکلام، بیروت: انتشارات احیاء التراث العربی، ج ۴۰.
۳۲. نظری، ایراندخت (۱۴۰۱). الزامهای بدون قرارداد مدنی ۴، ناشر مجمع علمی و فرهنگی مجد. نوبت انتشار سوم.
- ۳۳- نادری، افشین - صادقی، ابراهیم - یزدانی، محمد حامد و طاهره کریمی (۱۳۹۱). امنیت شهری و عوامل ایجاد کننده ناامنی در شهرها، اولین همایش منطقه‌ای معماری و شهرسازی.
- ۳۴- قرایی، فریبا - راد جانبانی، نفیسه و نازیلا رشید پور (۱۳۸۹). در بررسی و سنجش حس امنیت در مناطق مختلف شهری نمونه موردی مناطق ۲ و ۱۱، آرمانشهر، شماره ۴، تابستان، ص ۱۷-۳۲.
- ۳۵- سگرایی طریقه، محمود (۱۳۷۷). سیستمات‌های شهری موثر در پیشگیری از جرایم، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۳۶- خدایی، زهرا (۱۳۹۸). جایگاه امنیت در زندگی شهری، نشریه جهان صنعت، شماره ۲۲.